



انجمن علمی فقه‌پژای تهرانی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 4, Issue 2, 2026

Criteria and Effects of the Division of Crimes Into Visible and Invisible in Iranian and Canadian Criminal Proceedings

Fatemeh Vaziri Rad¹, Anahita Seifi^{2*}, Mohammad Rezaei³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Associate Professor, Department of International Law, Department of Women's Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran: (Corresponding Author).

3. Department of Law, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran..

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-15

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0002-1180-8334

TELL: +989122701612

Email: a.seifi@atu.ac.ir

Article History:

Received: 21 Aug 2025

Revised: 11 Sep 2025

Accepted: 19 Oct 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Obvious Crime, Arrestable Crime, Arrest, Basis for Differentiation, Criterion for Differentiation.

ABSTRACT

One of the most important divisions of crimes in Iran is the division of crimes into visible and non-visible, in which in visible crimes, judicial officers and in some crimes, citizens can take the initial steps (even if they result in arrest). In the Canadian criminal justice system, such a division of crimes is not seen and no crime is recognized as visible. However, crimes that can be arrested or detained in this country can be considered equivalent to visible crimes in the Iranian criminal system, considering the principles and criteria that have been introduced for them and the powers that have been foreseen for judicial officers and citizens. The present study, which is written using a descriptive-analytical method and with the aim of answering the question of what criteria are foreseen for distinguishing visible from non-visible crimes in criminal proceedings in Iran and Canada and what effects does this distinction have?, was written and the research hypothesis was based on the multiple criteria for distinction in both countries and effects such as judicial powers for judicial officers and ... In order to examine the validity of the hypothesis, according to the results obtained, it was determined; Visibility, absconding, having the tools and instruments of crime, etc. are among the criteria for distinguishing visible and invisible crimes, and the most important effects of separation are: differentiation of proceedings, prediction of judicial powers for judicial officers, prediction of differential duties for judicial officers, and prediction of the possibility of citizen participation.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Vaziri Rad, F; Seifi, A & Rezaei, M (2026). "Criteria and Effects of the Division of Crimes Into Visible and Invisible in Iranian and Canadian Criminal Proceedings". *Journal of International Criminal Law*, 4(2): 1-15.

مقدمه

هنگامی که شخصی مرتکب جرم قابل کیفرخواستی شده است یا افسر بر اساس دلایل معقول معتقد است که آن شخص مرتکب جرم قابل کیفرخواستی شده است یا در شرف ارتکاب جرم است. ب) هنگامی که شخصی در حال ارتکاب یک جرم کیفری تشخیص داده شود. یا ج) زمانی که گمان می‌رود شخصی حکم بازداشت یا ارتکاب را در حوزه قضایی منطقه‌ای که شخص در آنجا یافت می‌شود، دارد. همچنین یک قانون عرفی برای افسران صلح وجود دارد که بدون صدور حکم دستگیر شوند، در صورتی که افسر صادقانه و معقول باور داشته باشد که نقض صلح رخ داده است یا در جایی که قریب‌الوقوع است. آن‌ها برای استناد به این قدرت باید «پایه معقولی» داشته باشند. این شامل این شرط است که شرایط قبل از حضور افسر وجود داشته باشد نه اینکه نتیجه اقدام پلیس باشد.

تقسیم جرائم به مشهود و غیرمشهود، با توجه به آثار و نتایج مهمی که دارند در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا تحت عناوینی خاص مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. این تفکیک، مبتنی بر مبانی و معیارهای خاصی است که ضابطان دادگستری (و در برخی از جرائم شهروندان) از اختیارات افتراقی برخوردار می‌شوند. بدین ترتیب، آشنایی با مقررات پیش‌بینی شده در تفکیک جرائم مشهود، از سایر جرائم و تطبیق مقررات در نظام دادرسی‌های کیفری ایران با کانادا در جهت شناخت خلأها و چالش‌های حقوق داخلی، دارای اهمیت مطالعاتی بوده و می‌تواند با پژوهشی تطبیقی، معیارهای تفکیک جرائم مشهود مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر پیرامون معیارهای تفکیک جرائم مشهود از سایر جرائم و نیز آثاری است که این تفکیک در دادرسی‌های کیفری در ایران و کانادا به دنبال داشته است.

۱- معیارهای تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود

همان‌گونه که بیان شد، جرائم مشهود به واقعی و فرضی یا حکمی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ اما در اینکه چه معیاری برای تفکیک این دو دسته از جرائم از همدیگر و همچنین دسته‌بندی جرائم به مشهود و غیرمشهود بیان می‌شود، متفاوت است. در

جرم مشهود هرچند به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌گردد که حین وقوع دیده شود و یا افرادی به آن ناظر و گواه شوند، لکن تعریف واحدی از آن وجود ندارد و بین حقوقدانان و استادان حقوق جزایی اختلاف نظر وجود دارد (خانلری المشیری، ۱۳۹۱: ۱۷). علاوه بر این، نبود تعریف قانونی از این دسته جرائم موجب شده تا تعاریف متعدد و گوناگونی از جرم مشهود به عمل آید. برخی معتقدند: «جرم مشهود جرمی است که در حال ارتکاب یا بلافاصله پس از وقوع، مشاهده و کشف شود و یا لااقل آثار، آلات و دلایل جرم قابل‌رویت باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲: ۱۹۴). برخی نیز در توصیف آن بیان داشته‌اند: «هنگامی که جرم در شرف وقوع بوده و یا زمان اندکی از وقوع آن گذشته باشد، چنان‌که آثار و ادله جرم، اثبات و انتساب آن را به فاعل ممکن نماید» (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۷۹). در ایران، قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بدون ارائه تعریفی از جرائم مشهود، مصادیق آن در هفت بند در ماده (۴۵) این قانون ذکر کرده است. صاحب‌نظران با توجه به مصادیق هفت‌گانه موضوع ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ جرم مشهود را به مشهود واقعی و حکمی (یا فرضی) تقسیم نموده‌اند. اما در نظام دادرسی‌های کیفری کانادا، واژه یا عبارتی تحت عنوان «جرم مشهود» یا معادل آن، ذکر نشده است. در هیچ‌یک از قوانین این کشور نیز، چنین عبارتی به کار نرفته است؛ اما در قانون جزای این کشور به‌مانند نظام کیفری انگلستان، برای افسران پلیس و حتی شهروندان در برخی از جرائم، اختیاراتی پیش‌بینی شده که می‌توانند بدون حکم قضائی اقدامات پلیسی که حتی اگر منجر به دستگیر فرد نیز گردد، انجام دهند. این جرائم در قوانین این کشور تحت عنوان جرائم قابل بازداشت یا قابل دستگیری آمده است. دستگیری یا بازداشت یاد شده، مبتنی بر یک قاعده کلی در کامن‌لا است که مطابق آن، هر شخصی می‌تواند دیگری را که در حال نقض نظم است دستگیر کند (مهرآ و جهانی، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

طبق بخش ۴۹۵ (۱) قانون جزای کانادا، افسر پلیس می‌تواند بدون حکم فردی را در موارد زیر دستگیر نماید: الف)

1- Hayes v Thompson, 1985 CanLII 151 (BCCA)

2- R v Khatchadorian, 1998 CanLII 6115 (BC CA)

کل، از مهم‌ترین معیارهایی که صاحب‌نظران در تفکیک جرائم به مشهود و غیر مشهود اعلام داشته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱-۱- مشاهده رفتار مجرمانه

از جمله معیارهای تفکیک جرائم مشهود از جرائم غیرمشهود، لزوم علنی و در مرئی بودن این جرائم است که قانون‌گذار ایران، هم در قانون آئین دادرسی کیفری سابق و هم در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، آن را مورد تصریح قرار داده و در مرئی و منظر بودن را مصداقی از جرائم مشهود دانسته است. به عبارت دیگر، ویژگی اصلی جرائم مشهود نیز همین مصداق است. با عنایت به تعریفی که از جرم مشهود واقعی و در حکم مشهود بیان گردید، مشاهده رفتار مجرمانه، از مصادیق مشهود واقعی است. مقنن در بند الف، مشاهده یا رؤیت را به عنوان اولین معیار برای مشهود بودن جرم تصریح کرده است. از نظر لغوی، مرئی به معنای قابل مشاهده یا جایی که در آن چیزی دیده شود، آمده است و منظر نیز به معنای آنچه در برابر چشم واقع شود و یا محل نگریستن گویند (جعفری‌لنگرودی، ۱۴۰۲: ۱۰۲۶). با توجه به معنی «مشهود» و مصادیق مربوطه، منظور از مشهود در این ویژگی، مشاهده جرم در حال ارتکاب جرم است. مشاهده جرم در حال ارتکاب، یعنی مشاهده حقیقی و واقعی جرم در حین ارتکاب که این همان «حالت تلبس» یا «وضعیت ارتکاب جرم» است. ویژگی بارز این حالت مشاهده با چشم غیرمسلح است؛ اما این شرط دائمی برای مشاهده واقعی نیست، برای اینکه امکان ادراک جرم با حواس دیگری مانند شنوایی و بویایی وجود دارد. همچنین مقصود از مشاهده، مشاهده جرم است و نه مجرم. از جمله مشاهده مقداری مواد مخدر یا استنشام بوی مواد مخدر از خودروی متهم یا مکان دیگری و همچنین شنیدن صدای تیراندازی در جرم قتل و مشاهده مجنی علیه خون‌آلود، هرچند که قاتل شخصاً دیده نشود، با این حال آنچه که باید به آن تأکید کرد حالت تلبس (وضعیت ارتکاب جرم) یا جرم مشهودی است که باید اساسی و حقیقی باشد. البته در تصدیق این موضوع باید بیان داشت که منظور از مشاهده، فقط مشاهده جرم با استفاده از حس بینایی نیست.

مسئله مهمی که لازم است به آن پاسخ داده شود، مخاطب این مشاهده است. آیا با توجه به منطوق ماده، جرم صرفاً اگر در مرئی و منظر ضابطان واقع شود مشهود است یا سایر اشخاص اعم از شهروندان و مقامات دیگر را نیز شامل می‌شود و در صورت رؤیت آن‌ها نیز آثار جرم مشهود بر اقدامات آن‌ها بار خواهد بود. قانون‌گذار ایران قبلاً در خصوص شهروندان، ساکت بود، اما با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، برای اولین بار در تبصره ماده ۴۵ در برخی از جرائم، اقدام شهروندان تحت شرایطی در جرائم مشهود پیش‌بینی گردید. برابر این تبصره: «چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند». در خصوص این مقررره باید بیان داشت که بر اساس یک قاعده کلی در کامن‌لا، هر شخصی می‌تواند دیگری را که در حال نقض نظم است دستگیر کند (مهرا و جهانی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ که اولین و مهم‌ترین قانون نوین در این زمینه است، به صراحت، شرایط دستگیری و بازداشت را هم برای نیروهای پلیس و هم دیگر شهروندان بیان نموده است. ماده ۲۴ این قانون مقرر می‌دارد: «هر کس می‌تواند شخصی که ظن معقولی وجود دارد که در حال ارتکاب یک جرم قابل دستگیری است و یا اینکه واقعاً در حال ارتکاب چنین جرمی است و یا هر شخص دیگری را که یک جرم قابل دستگیری مرتکب شده و یا ظن معقولی وجود دارد که چنین جرمی را مرتکب شده است را دستگیر نماید».

در مورد اینکه آیا ارتکاب جرم در منظر مقامات قضایی نیز مشهود تلقی می‌شود یا با توجه به عدم تصریح در ماده ۴۵، مشهود نمی‌باشد، اختلاف نظر است. به نظر می‌رسد باید مشهود باشد، چراکه اولاً، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس از جمله جهات قانونی شروع به تعقیب است که در ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری به آن تصریح شده است. ثانیاً، وقتی جرم با حضور ضابط دادگستری عنوان مشهود پیدا می‌کند، با حضور هر قاضی‌ای نیز وصف مشهود بودن را دارا خواهد بود و در واقع وقوع جرم در برابر قاضی، باعث شروع تعقیب می‌باشد و این موضوع به تصریح قانون هم نیاز ندارد. در این مورد،

(۱) منافع عمومی ایجاب نماید؛
 (۲) برای شناسایی متهم لازم باشد؛
 (۳) برای حفظ شواهد مربوط به جرم یا مرتبط با آن لازم باشد؛
 (۴) برای جلوگیری از ادامه یا تکرار آن جرم یا ارتکاب جرم دیگری لازم باشد و این باور وجود داشته باشد که اگر شخص را دستگیر نمی‌کرد، شخص در دادگاه حاضر نمی‌شد.
 با عنایت به موارد یادشده، می‌توان به این نتیجه رسید که هر چند در نظام دادرسی‌های کیفری کانادا، مشاهده یا رؤیت‌پذیری به‌عنوان معیاری جهت تفکیک جرائم قابل بازداشت و غیرقابل بازداشت پیش‌بینی نشده اما بدیهی است که رؤیت جرم، معقول‌ترین دلیلی است که مبتنی بر آن، افسر پلیس در کانادا این اختیار را دارد که به‌مانند ضابطان دادگستری در نظام دادرسی کیفری ایران اقدام به بازداشت یا دستگیری متهم نماید.

۱-۲- مشاهده آثار جرم

یکی دیگر از مصادیق جرم مشهود، مشاهده آثار جرم بلافاصله پس از ارتکاب آن است که در قسمت اخیر بند الف ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و به‌مانند در مرئی بودن یعنی قسمت اول بند الف، این ماده از مصادیق مشهود واقعی تلقی می‌گردد. منظور از بلافاصله، زمان اندکی است که تقریباً متصل به زمان وقوع جرم باشد؛ یعنی میان وقوع جرم و موارد مورد اشاره، فاصله‌ای نیفتد که این را صرفاً عرف تعیین می‌کند. برای نمونه می‌توان گفت قید بلافاصله با توجه به آثار ضرب‌وجرح و یا لباس پاره و خون‌آلود بزه‌دیده قابل احراز است. مانند اینکه بین دو نفر نزاعی در خیابان رخ داده و مأموران با اطلاع مردم، بلافاصله در محل نزاع حاضر شوند و یا اینکه مأمورین بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم در صحنه‌ای حاضر می‌شوند که شخصی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. منظور از «زمان کوتاه» یعنی مدتی که از چند دقیقه طولانی‌تر نباشد و مجرم غالباً در حوالی جرم پرتاب زده یا در مکانی نزدیک به آن باقی می‌ماند؛ و مقصود از زمان کوتاه، کشف جرم به‌دنبال ارتکاب آن به‌صورت مستقیم است به‌گونه‌ای که آثار آن هنوز قابل مشاهده و ملموس می‌باشد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مشخص نکرده بود که منظور از قاضی، کدام قضات می‌باشند؛ قضاتی که در ارتباط با ضابطان دادگستری هستند یا هر کس که سمت قضایی در قوه قضاییه دارد. اما در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، این وضعیت فقط در مورد دادستان یا بازپرس مصداق دارد زیرا همان‌گونه که بیان شد، به‌موجب بند پ ماده ۶۴ این قانون، یکی از جهات قانونی شروع به تعقیب، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس است. وقوع جرم مشهود تنها در برابر دادستان یا بازپرس مجوزی برای شروع به تعقیب است. لذا، وقوع جرم مشهود در برابر سایر مقامات قضایی نظیر دادیار، دادرس دادگاه و ... از جهات قانونی شروع به جرم ذکر نشده است. مگر اینکه دادیار در موقعیت جانمایی دادستان دارای اختیارات قانونی وی باشد (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۶). در خصوص دادیار جانشین دادستان، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۹۳/۴/۲۱_۷/۹۳/۹۲۲ چنین اظهار عقیده نموده است: «در مواردی که برابر ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ دادیار، جانشین دادستان است، در صورت وقوع جرم مشهود موضوع بند پ ماده ۶۴ قانون اخیرالذکر، وی نیز می‌تواند در حدود قانون، اقدامات قانونی را معمول دارد». ضمناً مطابق ذیل ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴: «چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد».

در کانادا، از بین مصادیق سه‌گانه یادشده، می‌توان بند (ب) ماده ۴۹۵ (۱) را با بند الف ماده ۴۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و بندهای (الف) و (ج) ماده ۴۹۵ (۱) را با سایر بندهای موضوع ماده ۴۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ تطبیق داد. در این حالت نیز به‌مانند دو حالت دیگر؛ پلیس کانادا می‌تواند بدون حکم اقدام قضایی انجام داده و به‌مانند پلیس ایران در جرائم مشهود، متهم را دستگیر نماید. البته مطابق قوانین این کشور، یک افسر صلح نمی‌تواند شخص را بدون حکم برای یک جرم قابل مجازات دستگیر کند مگر اینکه دلایل معقولی برای دستگیری وجود داشته باشد. این دلایل معقول عبارتند از:

۱-۳- مشاهده بزه‌دیده و معرفی مرتکب

از دیگر اسباب و مصادیق جرم مشهود، معرفی مرتکب توسط بزه‌دیده یا حداقل دو نفر از اشخاصی که ناظر وقوع جرم بوده‌اند. این مصداق در بند ب ماده ۴۵ این‌گونه مقرر شده است: «بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به‌عنوان مرتکب معرفی کنند». مطابق این بند، معرفی ممکن است از سوی بزه‌دیده و همان کسی که از وقوع جرم متحمل آسیب شده است یا از سوی ناظران و کسانی که شاهد وقوع جرم هستند، صورت گیرد؛ به شرطی که ناظران حداقل دو نفر بوده و بلافاصله پس از مشاهده شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نمایند. به‌نظر می‌رسد باید این جرم را نیز از مصادیق مشهود عینی یا واقعی محسوب نمود، چراکه در اینجا نیز مشاهده مبنای مشهود تلقی شدن جرم تلقی شده اعم از اینکه توسط بزه‌دیده مشاهده شده باشد یا حداقل دو نفر از ناظران که ارتکاب جرم را مشاهده کرده‌اند. با عنایت به بندهای الف و ب، معیار اصلی برای مشهود واقعی را می‌توان مشاهده‌پذیری ارتکاب جرم بیان کرد، البته در این معیار، اینکه مشاهده توسط چه کسی باشد با تفاوت‌هایی بیان شده است. در ارتباط با ضابطان و بزه‌دیده، مشاهده یا در مرئی و منظر آن‌ها واقع شدن جرم شرط است اما در خصوص دیگران و یا سایر شهروندان، صرف رؤیت یک نفر کافی نبوده، بلکه حداقل باید دو نفر ارتکاب جرم را مشاهده کرده باشند و بلافاصله نیز شخص معینی را به‌عنوان مرتکب معرفی نمایند. به‌عنوان مثال، در تصادف منجر به فوت دو نفر رهگذر که شاهد صحنه تصادف هستند مرتکب را به ضابطان دادگستری معرفی می‌کنند. در این مورد نیز واقعیت جرم برای مرجع پاسخ‌دهنده روشن و خالی از ابهام است. قانون‌گذار در مواردی که به حضور دو نفر یا بیشتر نیاز دارد، از اصول و مقررات شرعی در فقه اسلامی الهام گرفته است. این رویکرد به‌ویژه در جرائم حساس مانند قذف و شرب خمر، تأکید بر ضرورت ارائه شهادت حداقل توسط دو نفر دارد. دلیل اصلی این الزامات کاهش احتمال خطا در شهادت است، چراکه شهادت دو نفر با ضریب خطای کمتر همراه بوده و همچنین اطمینان بیشتری درباره وقوع جرم را فراهم می‌آورد نسبت به زمانی که فقط یک نفر اعلام وقوع جرم کند (زراعت و مهاجری،

بنابراین ممکن نیست جرمی مشهود محسوب شود، زمانی که مدت زیادی از ارتکاب آن گذشته، به گونه‌ای که مجرم از مکان ارتکاب جرم دور شده و از چشم ناظرین غایب شده باشد. مشاهده آثار جرم، نیازمند استفاده ماهرانه از حواس پنجگانه بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه است تا به حواشی که در پیرامون صحنه جرم در جریان است، معنا و مفهوم خاص ببخشد. در بند الف ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به آثار جرم اشاره شده است ولی اینکه این آثار شامل چه مواردی می‌باشد، توضیح داده نشده است. مأموران نیروی انتظامی که در نقش ضابط دادگستری در صحنه جرم حاضر می‌شوند، معمولاً براساس تجارب عملی خود یا منابع علمی سازمان نیروی انتظامی چگونگی بررسی صحنه جرم و مشاهده آثار جرم را فرا می‌گیرند. این در حالی است که در نظام حقوقی انگلستان، قانون‌گذار سعی کرده است به‌صورت تدوین آیین‌نامه اجرایی انواع آثار جرم و شیوه‌های جمع‌آوری مدارک را مشخص نماید (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۹۸). در حقوق کانادا، برابر بند ۹ منشور حقوق و آزادی‌های شهروندی، به پلیس اجازه توقیف در مواردی که آثار جرم را مشاهده می‌نماید اعطا گردیده است؛ به‌عنوان مثال، در این بند تصریح گردیده که مأمور پلیس اجازه توقف رانندگان برای آزمایش مصرف نوشیدنی‌های الکلی را دارد، چراکه در واقع وی شرایط رانندگی نداشته و آثار آن مشهود است. بدین ترتیب، قانون‌گذار اختیار چنین توقیفی را به دلیل مشهود بودن آثار جرم از مصادیق دلایل معقول دانسته و مقرر داشته که چنین بازداشت‌هایی ناقض منشور نیستند.

با عنایت به موارد یادشده، می‌توان دریافت که مشاهده آثار جرم نیز به‌مانند رؤیت‌پذیر خود جرم، می‌تواند از جمله دلایل معقول در نظام دادرسی‌های کیفری کانادا تلقی و مبتنی بر آن افسر پلیس اختیار دستگیری داشته باشد. در واقع، هر چند «مشاهده آثار جرم» به‌صورت صریح معیاری در تفکیک جرائم قابل بازداشت در این کشور، (برخلاف نظام دادرسی‌های کیفری ایران) پیش‌بینی نشده اما مبتنی بر آن، افسر پلیس می‌تواند در بازداشت متهم به معقول بودن دلیل با استناد به مشاهده آثار جرم، اقدام خود را توجیه نماید.

۱۳۹۳: ۱۲۱). همان‌گونه که بیان شد، صرف اینکه دو نفر ناظر وقوع جرم باشند، کافی نبوده و لازم است با معرفی شخص معینی به‌عنوان مرتکب جرم همراه باشد و در صورتی که این معرفی وجود نداشته باشد یا صرفاً معرفی بوده بدون اینکه ناظر وقوع جرم باشند، مشهود تلقی نخواهد شد.

۱-۴- قرار داشتن آثار و علائم یا ادله و اسباب جرم در تصرف

متهم

اولین مصداق از مصادیق مشهود حکمی، یافت شدن آثار و علائم یا ادله و اسباب جرم ارتكابی در نزد متهم است. این معیار، در بند پ ماده ۴۵ این‌گونه بیان شده است: «بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد». در این حالت مرتکب یکی از وسایل یا ادله را در اختیار دارد که دلالت بر آن می‌نماید یا فاعل جرم و یا شریک جرم می‌باشد. به عبارت دیگر، مرتکب، اشیایی را که از جرم تحصیل گردیده یا وسیله‌ای از وسایل ارتكاب آن را حمل کرده باشد، مانند اینکه در حال حمل مال مسروقه یا سلاحی که برای قتل از آن استفاده کرده است، دیده شود. البته این حالت مشروط به آن است که در زمان نزدیکی پس از وقوع جرم مشاهده شده باشد. شاید باور غالب، قائل به مادی بودن آلات و وسایل جرم باشد، اما به نظر وسایل غیرمادی نیز می‌تواند شامل این موضوع گردد. منظور از آثار و علائم، قرائن و شواهدی است که نشانگر ارتكاب وقوع جرمی باشد، مثلاً فرد خون‌آلودی را در کنار خیابان مشاهده نماییم و در آن حوالی فرد دیگری را با یک چاقو، لباس خون‌آلود و در حال فرار، مضطرب و نگران، می‌بینیم. در اینجا شواهد و مشاهدات عینی حکایت از آن دارد که آن فرد فاعل این جرم است. در واقع در این موارد آنچه که دیده می‌شود عنصر مادی یا فعل مجرمانه نیست بلکه قرائن و شواهدی است که دلالت بر آن دارد که لحظاتی قبل جرمی توسط این شخص معین ارتكاب یافته است (قاسمی، ۱۳۹۸: ۶۵).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای مشهود بودن جرم لازم نیست حتماً فعل مجرمانه عیناً رؤیت شود. شرط مهم دیگر برای مشهود بودن جرم در این بند، محرز شدن تعلق ادله جرم به متهم است؛ یعنی آثار جرم حکایت و دلالت می‌کند بر اینکه

او مرتکب جرم یا شریک در آن است، به‌گونه‌ای که این احتمال نمی‌رود که آن آثار یا علائم از منبع دیگری غیر از ارتكاب جرم تحصیل گردیده باشند؛ مانند این که آثار خراش و زخم در صورت جانی یا پارگی در لباس‌هایش دیده شود که دلالت بر آثار مقاومت بزه دیده در حین خفه کردن می‌نماید. منظور از آثار و علائم، ظاهراً آثار و علائم مادی است اما مصادیقی وجود دارد که باید آثار و علائم معنوی را نیز بپذیریم؛ مثلاً اگر خانمی را درحالی که از شدت ناراحتی و فشار روحی گریه می‌کند و مدعی است که این آقا به او توهین و فحاشی نموده و برایش ایجاد مزاحمت کرده است را باید به‌عنوان دلیلی معنوی بر ارتكاب جرم مزاحمت توسط آن مرد دانسته و مقررات جرم مشهود را اعمال نماییم. البته همان‌طور که ذکر کردیم، این حالت نیز باید در زمان نزدیکی پس از وقوع باشد. در نظام دادرسی‌های کیفری کانادا، این معیار را می‌توان تحت شمول دلایل معقول مورد تطبیق قرار داد. در این کشور، مفهوم «دلایل معقول» به‌عنوان نقطه‌ای تعریف می‌شود که در آن، یک احتمال مبتنی بر اعتبار جایگزین ظن صرف می‌شود. در تصمیمی در سال ۲۰۱۳، R v Phuong، دادگاه تجدیدنظر آلبرتا تصریح کرد که دستگیری زمانی معقول است که یک فرد معقول، با توجه به شرایط و با در نظر گرفتن آموزش و تجربه افسر، دلایل منطقی و محتمل برای دستگیری پیدا کند (فلدمن، ۲۰۰۲: ۳۳۲). لازم به توضیح است که ظن متعارف در جرائم مختلف به یک شکل نیست. به‌عنوان نمونه، در جرائم تروریستی، هر اقدام و اطلاعاتی می‌تواند تحت عنوان ظن متعارف مورد استناد قرار گیرد ولی در جرائم عادی چنین ظنی نمی‌تواند مبنایی برای اقدام به دستگیری بدون حکم قضایی باشد.

۱-۵- قصد فرار یا در حال فرار بودن متهم

معیار مهم دیگری که در عمل نیز با کثرت مصادیق همراه است، قصد فرار یا در حال فرار بودن متهم پس از ارتكاب جرم است. در بند ت ماده ۴۵ و در توصیف این معیار چنین مقرر گردیده است: «متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود». فرار مرتکب جرم به دلیل فرض قانون‌گذار، زمانی دارای اهمیت است که بلافاصله پس از وقوع جرم صورت گرفته باشد. این

ورود به مأموران بدهند نه اینکه پس از گذشت مدتی که دیگر نمی‌توان آن را «بلافاصله» دانست، مأموران را به منزل دعوت نمایند. در چنین مواردی، هرچند با توجه به اجازه متصرف، ورود مأمورین موجه است اما آثار جرم مشهود بر اقدامات آن‌ها بار نخواهد شد و هرگونه اقدام از جمله دستگیری متهم، جمع‌آوری ادله و ... نیازمند حکم قضایی است.

برخی معتقدند، اجازه صاحب‌خانه یا متصرف خیلی به جرم مشهود و تقسیمات آن مرتبط نمی‌شود و قانون‌گذار نیز از باب مهم بودن آن‌ها را در شمار موارد جرم مشهود برشمرده است (رجبی، ۱۴۰۲: ۲۷). طبق بند ۳ از ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه جرمی در داخل منزل شخصی در حال وقوع باشد و صاحب‌خانه ورود مأموران را به خانه خود تقاضا نماید، خواه بزه‌دیده خود صاحب‌خانه باشد یا هر فرد دیگری که در آنجا حضور دارد، برای تلقی شدن جرم مشهود و ورود ضابطان دادگستری کافی است. از جمله نکات موردتوجه در این بند این است که جرم باید حتماً در محل سکونت رخ دهد و تفاوتی از لحاظ زمانی در روز و شب بودن آن وجود ندارد. به فرض، اگر زمان درخواست ساعت ۲ صبح باشد، ضابطان دادگستری با درخواست شخص ساکن حق ورود به محل موردنظر را خواهند داشت. اما اگر جرم در خارج از محل سکونت واقع شده باشد و متهم در آنجا مخفی شده باشد، طبق این بند جرم مشهود تلقی نمی‌شود. همچنین، درخواست ورود به محل سکونت توسط شخص ساکن بلافاصله پس از وقوع جرم، از جمله این موارد است؛ مانند اینکه سرقت یا قتل در درون خانه اتفاق افتاده و صاحب‌خانه دقایقی بعد وارد خانه می‌شود و به‌محض مشاهده جرم، بلافاصله مأمورین را مطلع نماید و ورود آن‌ها به محل سکونت را تقاضا نماید. در این صورت، مأمورین قائم‌مقام قاضی بوده و اقدامات و تحقیقاتی را که فوریت داشته باشد را به عمل می‌آورند. بدین معنی که تنها در صورت ضرورت و فوریت، مأمور مجاز به بازرسی، دستگیری متهم یا مظنونین، بازجویی از متهم، شهود و مطلعین می‌باشد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۶۷-۶۶). به همین دلیل است که به عقیده برخی، جرمی که در خانه و به‌صورت مخفیانه انجام می‌شود، جرم مشهود نیست؛ اما اگر مشهود به حساب نیاید و پس از اعلام صاحب‌خانه، مأموران حق دستگیری متهم را نداشته باشند، منجر به فرار مرتکب یا

موضوع به‌عنوان یکی از دلایل اقدام برای جلوگیری از فرار متهم در نظر گرفته می‌شود. ضابطان دادگستری موظف‌اند در این موارد ابتدا وقوع جرم را تأیید کنند و ارتباط زمانی نزدیکی بین جرم و حالت فرار شخص را اثبات نمایند. سپس با تحلیل دقیق، رابطه میان فرار فرد و وقوع جرم را تشخیص دهند (قاسمی، ۱۳۹۸: ۶۵). لازم به توضیح است که اعلام و اخبار متهم نیز همان‌گونه که از جهات تعقیب محسوب گردیده، از مصادیق جرم مشهود نیز احصاء شده است. در این خصوص در بند ۴ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنین مقرر گردیده است: «**متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.**» به نظر می‌رسد، بر خلاف مرحله تعقیب که اظهار و اقرار متهم تنها در جرائم غیرقابل گذشت، مجوزی برای شروع به تعقیب است، در مشهود تلقی شدن معرفی متهم که مربوط به مرحله وقوع و کشف جرم است، تنها به جرائم غیرقابل گذشت محدود نبوده و در کلیه جرائم، در صورت اعلام و اخبار متهم به ارتکاب جرم در نزد ضابطان دادگستری، اختیارات و تکالیف پیش‌بینی شده در جرائم مشهود را خواهند داشت.

۱-۶- اجازه صاحب منزل یا متصرف

معیار مهم دیگر که قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره کرده، اجازه صاحب منزل یا محل سکونی است که این معیار نیز مسبوق به سابقه بوده و قبلاً نیز در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده بود. مطابق بند ۳ مقرر شده است: «**جرم در منزل یا محل سکونای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود درخواست کند.**» در صورتی که صاحب‌خانه (یا مستأجر یا هر شخص متصرف) اذن ورود به مأموران به خاطر ارتکابی جرمی در داخل خانه خود را بدهد، آن‌ها می‌توانند با رعایت مقررات شرعی و قانونی وارد خانه شده و اقدامات مرتبط با ضابطان دادگستری از قبیل جمع‌آوری ادله، دستگیری مرتکب و ... را انجام دهند. بدین ترتیب، اجازه متصرف از مصادیق جرم مشهود بوده و اقدامات ضابطان پس از اجازه متصرف، نیازی به اذن مرجع قضایی یا حکم قضایی ندارد و تنها شرط این است که در همان حال ارتکاب جرم یا بلافاصله پس از وقوع جرم، اجازه

است که هنوز مرتکب جرم نشده ولی شرایط وی، او را در شرف ارتکاب جرم قرار داده است. در خصوص حکم این بند، علاوه بر ایرادات متعددی که بر آن وارد شده است، باید به این نکته نیز توجه داشت که بر اساس ظاهر این بند، تمامی جرائم ولگردان، مشهود محسوب می‌شود. این حکم با فلسفه جرائم مشهود سازگاری ندارد زیرا ولگرد بودن، وصف مرتکب جرم است، حال آنکه مشهود بودن، وصف «جرم مشهود» است. همچنین جرم مشهود با هدف اعطاء اختیارات فوق‌العاده برای ضابطان، پیش‌بینی شده است و به نظر نمی‌رسد ولگرد بودن یا نبودن، تأثیری در این خصوص داشته باشد.

۲- آثار تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود

تقسیم و تفکیک جرم به مشهود و غیرمشهود، دارای آثار متعددی است به طوری که از آن به‌عنوان جلوه‌ای خاص از دادرسی کیفری نیز گفته می‌شود. مجموع این موارد موجب شده تا از افتراقی شدن دادرسی کیفری در این حوزه با توجه به اختیارات و تکالیف افتراقی ضابطان و شهروندان به‌عنوان یکی دیگر از جلوه‌های دادرسی افتراقی یاد شود. از جمله مصادیق این حوزه‌ها، افتراقی شدن تعقیب و دادرسی در جرائم مشهود است که به شکل و نحوه ارتکاب جرم و لزوم برخورد سریع با آن موجب شده تا قانون‌گذار افتراقی شدن دادرسی در این جرائم را پیش‌بینی نماید. پیش‌بینی اختیارات و تکالیف افتراقی برای ضابطان دادگستری و پیش‌بینی اختیاراتی برای شهروندان مهم‌ترین مصادیق و آثاری هستند که تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود به دنبال دارد که در ادامه به تبیین و توصیف آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- پیش‌بینی اختیارات قضایی برای ضابطان دادگستری

یکی از مشهودترین و مهم‌ترین آثار تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود، اعطای اختیارات ویژه به ضابطان دادگستری است، به طوری که آن‌ها بدون دستور قضایی این اختیار را دارند که اقدامات لازم را برای مقابله با جرم و متهمین انجام دهند حتی اگر منجر به دستگیری و بازداشت گردد. ضابطین دادگستری عموماً اولین افراد رسمی هستند که در صحنه جرم مشهود حاضر می‌شوند. از سوی دیگر، صحنه جرم، شاه‌کلید حل معمای بسیاری از پرونده‌های کوچک و بزرگ جنایی و

از بین رفتن آثار جرم خواهد شد (زراعت و مهاجری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). در این رابطه اگر احراز وقوع جرم برای مأمور ممکن نباشد، به‌صرف تقاضای صاحب‌خانه، مأموران حق ورود به منزل جهت جمع‌آوری دلایل و دستگیری مجرمین را دارند.

۱-۷- ولگرد بودن متهم

ولگردی آخرین مصداق از مصادیق حصری جرائم مشهود است. مطابق بند ۴ ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری، اگر «متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد» جرم مشهود است. ولگردی یکی از حالاتی است که قانون‌گذار آن را جرم‌انگاری نموده است. مطابق ماده ۷۲۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵: «هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد». با وجود جرم‌انگاری به شرح یادشده، در هیچ‌یک از قوانین تعریفی از ولگرد ارائه نشده و تنها توصیفی که در این خصوص وجود دارد، تبصره ۲ ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است که مقرر می‌دارد: «ولگرد کسی است که مسکن و مأواى مشخص و وسیله معاش معلوم و شعل یا حرفه معینی ندارد». برخی معتقدند: «برای آنکه شخص ولگردی به‌عنوان متهم جرم مشهود دستگیر شود، باید اولاً وقوع جرم بر مأمور ثابت شود، ثانیاً ولگرد بودن شخص احراز گردد و ثالثاً بین ولگردی این شخص و آن جرم، یک رابطه فرضی و قرینه‌ای موجود باشد» (انصاری، ۱۴۰۳: ۱۵۹).

در مقابل برخی دیگر، صرف ولگردی را مصداق جرم مشهود می‌دانند، چه اینکه ولگردی شخص را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد. دلیل چنین نظری این است که قانون‌گذار شرط دیگری را مثل وقوع جرم را در حین یا بلافاصله پس از آن را در این بند مثل سایر بندهای ماده ۴۵ بکار نمی‌برد (زراعت، ۱۳۹۸: ۷۲). بر اساس نظر اخیر، اگر قرار باشد صرف ولگردی را جرم مشهود بنامیم و چون هنوز جرمی اتفاق نیفتاده است و شخص ولگرد در مظان ارتکاب جرم است، می‌توان آن را از جمله تنها مواردی دانست که قانون‌گذار اختیارات ویژه جرم مشهود را برای مراجع غیرقضایی در مورد کسی در نظر گرفته

فاصله، مرتکب جرم با آثار و دلایل محکمه پسند دستگیر و تحویل دستگاه عدالت کیفری گردد، می‌توانیم این اختیارات ویژه ضابطان را توجیه نماییم و در واقع فلسفه پیش‌بینی جرائم مشهود در قوانین موضوعه را حفظ مصلحت اجتماع یا نظم عمومی بدانیم (قاسمی، ۱۳۹۸: ۷۴).

برابر بند ۹ منشور حقوق و آزادی‌های شهروندی کانادا، مأموران دولتی نمی‌توانند افراد خصوصی را تحت نظر قرار یا آن‌ها را بدون دلیل موجه نگه دارند. در رابطه با این بند، باید اشاره کرد که دستگیری و بازداشت دو مفهوم متفاوت می‌باشند. فرد ابتدا دستگیر شده و سپس به ایستگاه پلیس برده و بازداشت می‌شود. به میزانی که شرایط فرد به بازداشت نزدیک باشد حمایت‌ها و ضمانت‌های بیشتری از فرد می‌شود. حق دستگیری و یا بازداشت زمانی است که فرد دستگیر یا بازداشت شده است. این افراد حق دارند با یک وکیل برای گرفتن مشاوره حقوقی در رابطه با وضعیت موجود ارتباط داشته باشند و پلیس بایستی به آن‌ها بگوید که چه خدمات حقوقی‌ای موجود است. اشخاص تحت بازداشت حق دارند که از قاضی برای تصمیم‌گیری در رابطه با اینکه آیا دستگیری آن‌ها قانونی بوده یا نه درخواست کنند و اگر بازداشت آن‌ها قانونی نباشد، قاضی دستور آزادی آن‌ها را بدهد. در صورت بازداشت فرد در ایستگاه پلیس، وی باید حداکثر تا ۲۴ ساعت اداری به صورت مکتوب تفهیم اتهام شود. در صورت دستگیری، اگر فرد دستگیر شده می‌داند دستگیری وی در رابطه با چه جرمی است آن زمان هم می‌تواند این فرد را به صورت شفاهی تفهیم اتهام کند. در صورت دستگیری و بازداشت فرد باید به وی اطلاع داده شود تعدادی از وکلا به صورت ۲۴ ساعته آنلاین هستند که می‌توانند با فرد در رابطه با موارد مختلف صحبت کنند و همچنین وکیل می‌تواند با فرد در رابطه با حق سکوت هم صحبت کند. این نکته حائز اهمیت است که فرد در صورت بازجویی این حق را دارد که در برخی موارد سکوت کند و برای تشخیص این مسائل بهتر است با وکیل خود صحبت کند (آدرین، ۲۰۱۸: ۲۲۱-۲۲۰).

در نظام حقوقی کانادا، علاوه بر قوانین عام، قانونی خاص تحت عنوان PIPEDA تصویب شده که قانون حریم خصوصی ملی

کیفری است، لذا قانون‌گذار با تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود و با لحاظ قراردادن اهمیت صحنه جرم در جرائم مشهود، اختیارات نسبتاً گسترده‌ای به ضابطین در برخورد با جرائم مشهود داده است تا از این طریق در جهت شناسایی مجرمین و به تبع آن ایجاد امنیت عمومی در اجتماع اقدام شود، زیرا لازمه برخورد با متعدیان به حقوق افراد و جامعه، داشتن اختیار برخورد است (رجبی، ۱۴۰۲: ۱۰).

برخی از دانشمندان مکاتب کیفری حقوق نیز، در نظریات خود معمولاً به دنبال توجیه تقدم حفظ نظم عمومی بر حقوق فردی هستند. از جمله، ژرمی بنتام فیلسوف بزرگ انگلیسی که از پایه‌گذاران مکتب اصالت سودمندی است؛ معتقد است که قانون زمانی مطابق با عدل، انصاف، حق و صواب تلقی می‌شود که بتواند مسیر سعادت جامعه را هموار سازد، در غیر این صورت، قانون نادرست خواهد بود. همچنین مفهوم تکلیف، همانند عدالت، زمانی معنا پیدا می‌کند که در جهت تأمین خوشبختی بیشترین افراد جامعه تعریف شود. از آنجایی که هدف حقوق تأمین نظم اجتماعی است و پاسداری از این نظم به عهده قانون می‌باشد، می‌تواند افرادی که به خاطر مصالح و سود فردی این نظم اجتماعی را به مخاطره می‌افکنند، مجازات شوند و لازمه اجرای مجازات این است که مرتکب جرم در ید و تحت استیلا قانون قرار گیرد. به همین دلیل، برای دفاع مؤثر جامعه، پیش‌بینی مجازات از طرف قانون‌گذار کافی نیست بلکه لازم است مقرراتی را تأسیس کرد که کشف سریع و محکومیت قطعی به مجازات کسانی که قانون کیفری را نقض کرده‌اند، ممکن نماید. مصلحت جامعه مقتضی مجازات سریع و قطعی جرائم است و دادرسی کیفری باید با تشکیل دادگاه‌های جزائی و با تعیین قواعد جستجو، تأیید جرائم، پیدا کردن دلایل و قضاوت مجرمین دقیقاً هدف سرعت و قطعیت را تعقیب نماید. وانگهی هر قدر فاصله بین جرم و اجرای مجازات بیشتر باشد، تأثیر کیفرها کمتر خواهد بود و باید میان جرم و کیفر تصویری در اذهان پدید آید که خودبه‌خود پس از وقوع جرم، اجرای کیفر در ذهن افراد تداعی شود. بنا بر آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که مصلحت اجتماع اقتضای آن دارد که مجرم در اسرع وقت دستگیر و به مجازات برسد و از آنجایی که در جرائم مشهود با اختیارات ویژه ضابطان، این امکان وجود دارد تا در کمترین

خواهد شد. در چنین شرایطی، قاضی نیز که عمدتاً بر مدارک مکتوب موجود در پرونده‌ها برای تصمیم‌گیری تکیه دارد، به علت ضعف دلایل و مدارک جمع‌آوری شده قادر به صدور حکم مناسب نخواهد بود. این امر نه تنها اهداف اصلی مجازات نظیر تنبیه مرتکب، ایجاد عبرت عمومی، تسلی خاطر قربانی و سایر جنبه‌ها را محقق نمی‌کند، بلکه منجر به جسارت بیشتر مجرمان و ناامیدی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی می‌شود. این مسأله در نهایت تأثیر مستقیم و منفی بر دیدگاه عمومی نسبت به حکومت خواهد داشت (شکریبیگی، ۱۴۰۲: ۹).

در جرائم مشهود، ضابطان دادگستری ادله اثبات دعوا را از صحنه جرم گردآوری می‌کند، از شهود حاضر در صحنه جرم تحقیقات ضروری را انجام می‌دهد، مظنون را دستگیر و ظرف حداکثر ۲۴ ساعت ادله اثبات دعوا و مستندات را به همراه مظنون به دادستانی ارسال و اعزام می‌کند. طبیعی است در این مرحله نهاد کشف جرم به صورت تخصصی در محیط‌های فیزیکی و سایبری حضور دارد و تلاش می‌کند جرائم ارتکاب‌یافته را کشف و مستندات را به دادستانی ارسال کند. در جرائم غیرمشهود، نهاد کشف جرم مکلف است شکایات و اعلام جرم‌ها را دریافت کند و تحقیقات لازم را بدون ورود به حریم حقوق و آزادی‌های شهروندی انجام دهد و مراتب را به دادستانی اعلام کند (صالحی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۴۱). از دیگر صور مهم لزوم اقدام فوری به‌عنوان یکی از آثار حاکم بر تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود، پیش‌بینی اختیار برای دستگیری متهم است. در این راستا گفته شده است؛ سلب آزادی، مؤثرترین وسیله برای دستیابی به متهم و تضمین حضور او در مواقع لزوم است، چه هر زمان که به حضور او نیاز باشد با اعلام روز و ساعت حضور او به مقامات بازداشتگاه، وی تحت‌الحفظ نزد مرجع احضار کننده آورده خواهد شد و اراده او تأثیری در این امر نخواهد داشت (خالقی، ۱۴۰۳: ۲۱۲).

آثار و دلایل جرم به شکل‌های مختلفی حفظ می‌شود؛ مانند توقیف و ضبط موقت اشیاء، عکس‌برداری از محل، تهیه کروکی محل، تنظیم صورت‌جلسه و توصیف صحنه جرم و فیلم‌برداری و... در مواردی که مجرمان به وقوع جرم اقرار نمی‌کنند و آن را انکار می‌کنند، اگر در مقابل آثار و دلایل

کانادا است که بر بخش‌های تحت نظارت فدرال حاکم است. پلیس در انجام وظایف قانونی خود ملزم به رعایت این قانون بوده و در اجرای وظایف پلیس باید نسبت به حریم اطلاعاتی اشخاص حساس باشد تا افشاء نشده و مورد تعرض قرار نگیرد. مطابق این قانون، افرادی که ادعای تخلف از اقدامات پلیس را دارند می‌توانند بدون هزینه، وکالت قانونی داده یا برای خسارت شکایت کنند (کولین، ۲۰۱۹: ۹۶). برابر منشور حقوق و آزادی‌های شهروندی کانادا نیز هرکسی در برابر تفتیش و مصادره بی‌دلیل مصون است. این بدان معناست که کسانی که به نفع دولت عمل می‌کنند، همچون مأمور پلیس بایستی وظایف خود را به روشی منطقی و عادلانه به انجام برسانند. آن‌ها نمی‌توانند وارد ملک خصوصی افراد شوند یا چیزی از آن‌ها بگیرند مگر آنکه نشان دهند که یک دلیل قانونی واضح دارند. در بسیاری از موارد، آن‌ها اجازه ورود به ملک خصوصی افراد برای پیدا کردن مدرک یا توقیف اشیاء را ندارند مگر در صورتی که حکم تفتیش را از جانب قاضی داشته باشند (بند ۸ منشور). بدین ترتیب در دو حالت، ورود به حریم اشخاص برای مأموران پلیس آن‌هم به صورت استثنائی پذیرفته شده است؛ یکی در مواردی که دلیلی منطقی وجود داشته باشد که جرمی ارتکاب یافته است و دوم اینکه دستور قضایی داشته باشند.

۲-۲- پیش‌بینی تکالیف اقتراقی برای ضابطان دادگستری

اختیارات ضابطین دادگستری در اعمال اقدامات فوق‌العاده و حتی قهری، تکلیف قانونی است و از همین‌رو اعمال این اختیارات و در واقع اقدام فوری ضابطان دادگستری از جمله تکالیفی است که آن‌ها ملزم به انجام آن هستند. پس این‌گونه نیست که آن‌ها به‌دلخواه خود اقدام نمایند بلکه آن‌ها ملزم به اقدام فوری با توجه به ماهیت حساس جرائم مشهود و آثار آن در نظم و امنیت جامعه هستند. بدین ترتیب، تکالیف ضابطان دادگستری یکی از آثار حاکم بر تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود است. آنچه مسلم است، نخستین مواجهه مقامات قانونی با جرائم ارتکابی توسط ضابطان انجام می‌شود. به باور متخصصان علوم جرم‌شناسی، اگر این برخورد اولیه با دقت، هوشیاری، توجه به جزئیات و ارتباط منطقی بین وقایع همراه نباشد، پایه‌های پرونده کیفری از همان ابتدا دچار انحراف

شهروندان جهت برقراری امنیت عمومی است. بنا به فحوای این تبصره، شهروندان با دستگیری مرتکبان جرائم مشهود مستوجب مجازات‌های سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن و همچنین تعزیر درجه سه و بالاتر، نقش به‌سزایی در ارتقای امنیت جامعه خواهند داشت (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۱).

ضرورت مشارکت شهروندان در اقدام به دستگیری افراد متهم به جرم مشهود، موضوع مهمی است که نیازمند توجه ویژه است. اصل ضرورت به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی دستگیری توسط شهروندان مطرح بوده و نقش ویژه‌ای در این زمینه دارد. این مفهوم از یک سو بر اساس منطق عقلی و از سوی دیگر بر پایه قوانین موجود تأیید شده است. در کنار اصل ضرورت، دو شرط دیگر نیز برای اعمال دستگیری شهروندی در بسیاری از کشورهای تابع سیستم کامن‌لا، همچون انگلستان و کانادا، مشخص شده‌اند. شرط اول این است که شهروند باید باور داشته باشد که انجام دستگیری توسط پلیس به‌طور معمول امکان‌پذیر نیست. شرط دوم این که شهروند باید دلایل منطقی برای اعتقاد به ضرورت دستگیری داشته باشد که شامل موارد زیر می‌شود: جلوگیری از آسیب فیزیکی به افراد یا خسارت به اموال توسط شخص دستگیرشده، حفظ امنیت شخص دستگیرشده در برابر آسیب به خود، و جلوگیری از فرار فرد پیش از آنکه پلیس مسؤولیت او را بر عهده گیرد (ساندرز و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۵۳). چنین محدودیت‌هایی همان‌گونه که از بخش ۴۹۵ (۱) قانون جزای کانادا پیداست برای پلیس وجود ندارد؛ بلکه وی می‌تواند باوجود ظن معقول به ارتکاب جرم یا تقصیر شخص، اقدام به دستگیری و توقیف نماید. به‌واقع معیار دستگیری توسط پلیس وجود دلایل منطقی برای مظنون بودن است (لیود، ۲۰۰۵: ۱۵) و حتی چنانچه بعداً مشخص شود که جرمی ارتکاب نیافته است، افسر پلیس مسؤولیتی نخواهد داشت؛ اما شهروندان فقط در فرض ارتکاب واقعی جرم، مجاز به دستگیری هستند و در صورت اشتباه، ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند که در مورد افسران پلیس صدق نمی‌کند. یکی از پرونده‌هایی که این وضعیت را نشان می‌دهد، موردی بود که در آن متهم بسته شکلاتی را از فروشگاه برداشته و به دنبال آن، به اتهامات سرقت و حمله به‌قصد

جمع‌آوری شده قرار گیرند، انکار جرم را بیهوده می‌بینند و چه‌بسا مجبور به اقرار شوند. در مقابل دادسرا در کیفرخواست و دادگاه در رأی خود باید به ادله جرم اشاره کند تا قابل ارزیابی باشد. در جرائم مشهود که ممکن است ادله جرم قبل از دخالت مقام قضایی از بین برود، ضابطان دادگستری این اختیار را دارند که دلایل را ضبط نمایند؛ به‌عنوان مثال وسیله‌ای که مواد مخدر را حمل می‌کند یا اسلحه‌ای که برای ارتکاب قتل، مورد استفاده قرار می‌گیرد قابل ضبط است و حتی در پاره‌ای موارد، پلیس اختیار مسترد نمودن وسایل غیرضروری برای تحقیقات را دارد (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۸۵). از این رو، در نظام حقوقی ایران، مواردی وجود دارد که بنا به تشخیص مقام قضایی، آزادی متهم می‌تواند منجر به از بین رفتن آثار و دلایل جرم شود یا زمینه تبانی با سایر متهمان، شهود و مطلعان حادثه را فراهم کند. همچنین ممکن است آزادی باعث امتناع شهود از شهادت دادن یا ایجاد خطر فرار یا مخفی شدن متهم شود که در چنین شرایطی، سلب آزادی متهم امکان‌پذیر است. لازم به ذکر است که این اختیار تنها در صلاحیت مقامات قضایی نظام کیفری ایران قرار دارد و مقامات پلیسی جز در موارد جرائم مشهود و شرایط خاص ذکر شده در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری اجازه سلب آزادی را ندارند. بنابراین، ضروری است که قانون‌گذار تدابیر لازم را در این زمینه اتخاذ کرده و ضمن بررسی ضرورت‌های موجود، احکام مربوط به جرائم مشهود را اصلاح نماید.

۲-۳- پیش‌بینی امکان مشارکت شهروندان در تعقیب جرائم

یکی دیگر از آثار حاکم بر تفکیک جرائم به مشهود و غیرمشهود که قانون‌گذار ایران برای اولین بار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به آن تصریح کرده، اعطای اختیاراتی به شهروندان است. با توجه به آثار مهمی که ارتکاب جرم مشهود می‌تواند داشته باشد، در اغلب نظام‌های حقوقی از جمله در کشورهای نظیر انگلستان، کانادا، فرانسه و ... به شهروندان نیز اختیاراتی برای اقدام در جرائم مشهود پیش‌بینی شده و آن‌ها در مواجهه با جرائم می‌توانند اقدامات ابتدایی برای ممانعت از وخامت جرم، از بین رفتن ادله، فرار متهم و ... انجام دهند. ابتکار قانون‌گذار در تبصره یک ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مصداقی بارز از مشارکت‌های انتظامی

ضروری است؛ زیرا تا زمانی که پلیس یا سایر ضابطان در صحنه حضور داشته باشند، موجبی برای دخالت و واکنش دیگران نیست.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه که مورد مطالعه قرار گرفت، می‌توان نتیجه گرفت که تقسیم‌بندی جرائم به مشهود و غیر مشهود از جمله مهمترین تقسیم‌بندی‌هایی است که مبتنی بر عنصر مادی از جرائم به عمل آمده است. این تقسیم‌بندی، حائز نتایج و آثار متعددی است که از اختیارات ضابطین گرفته تا وظایف و تکالیف آن‌ها را در بر می‌گیرد. قانون‌گذار ایران در هیچ‌یک از قوانین و مقررات جاری و سابق تعریفی از جرم مشهود ارائه نداده است و همواره به بیان مصادیق آن بسنده نموده است. در آخرین اراده قانون‌گذار در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز این رویه تکرار شده و مقنن بدون ارائه تعریفی از جرم مشهود، با اندک تغییراتی نسبت به قانون آئین دادرسی کیفری سابق، مصادیق جرم مشهود را در ماده ۴۵ این قانون پیش‌بینی کرده است. تقسیم‌بندی جرائم به مشهود و غیر مشهود، مبتنی بر مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی است. در فقه اسلامی، از جمله جلوه‌های برخورد افتراقی و شدید، تجاهر و تظاهر در ارتکاب جرم و عادی‌سازی یا قبح‌زدایی از آن است که توسط فقها در متون مختلف نقل شده است. جلوگیری از تجاهر به فسق، جلوگیری از تظاهر و جلوگیری از قبح‌زدایی از گناه از مهم‌ترین مبانی فقهی که با توسل به آن‌ها تفکیک جرائم مشهود از غیر مشهود توجیه گردیده است. برای اقدام افتراقی در برخورد با این جرائم، مبانی خاصی از منظرگاه حقوقی و جرم‌شناختی بیان شده است که صیانت از نظم و امنیت جامعه، ضرورت، فوریت و سرعت از مهم‌ترین مبانی حقوقی تفکیک و شناسایی جرم مشهود از سایر جرائم می‌باشند.

از نظر جرم‌شناختی نیز با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که ارتکاب جرم به نحو مشهود که شباهت بسیاری به جرائم خیابانی و خشونت‌بار دارد و می‌تواند گاهاً مصداقی از این دسته از جرائم نیز باشد، احساس امنیت را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده و سلب می‌نماید؛ لذا ضرورت تفکیک جرائم مشهود از سایر جرائم واجد توجیه جرم‌شناختی

مقاومت در برابر بازداشت قانونی «او به فروشنده ضربه‌ای وارد کرد»، توسط فروشنده دستگیر شد. در ادامه، متهم از اتهام سرقت، تبرئه، ولی به اتهام حمله غیرقانونی محکوم گردید؛ اما دادگاه تجدیدنظر چنین استدلال نمود که اگر او مرتکب سرقت نشده، پس بازداشت نیز غیرقانونی بوده، حتی اگر سوءظن معقولی علیه وی وجود داشته است و بنابراین محکومیت به حمله غیرقانونی باید نقض شود، زیرا مقاومت در برابر بازداشت غیرقانونی جرم نیست (عظیمی و نظری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷۷). بنابراین، اگر شهروندی در تشخیص خود اشتباه کند، طرف مقابل حق طرح شکایت شبه‌جرم توقیف غیرقانونی را خواهد داشت و در این زمینه، برخلاف نیروهای پلیس، حمایتی برای شهروندان عادی وجود ندارد (فلدمن؛ ۲۰۰۲: ۳۲۹).

در حقوق ایران، دو ضابطه کلی برای امکان دستگیری شهروندی بیان شده که بیانگر «اصل ضرورت» است. یکی اینکه جرم باید از جرائم مشهود باشد و دیگر اینکه ضابطان دادگستری در محل حضور نداشته باشند. در خصوص جرائم مشهود باید اذعان داشت که چنانچه جرمی در زمره هر یک از بندهای موضوع ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قرار گرفت، شهروندان حق دستگیری متهمان را خواهند داشت؛ زیرا طبع جرم مشهود، ضرورت، سرعت و فوریت را می‌طلبد و تشریفات قضایی و پلیسی با این طبع ناسازگار است. ضابطه دیگر برای امکان دستگیری شهروندی در حقوق ایران، عدم حضور ضابطان دادگستری است. بی‌شک، حفظ نظم و امنیت اجتماع، به‌طور مستقیم و فوری از طریق اجرای قانون بر عهده ضابطان است. به‌واقع، ضابطان در خط مقدم فرایند کیفری حضور دارند و با شهروندان تحت عناوین شاکی، مظنون و متهم روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها معمولاً نخستین نهادی هستند که از جریان ارتکاب جرم مطلع شده و اغلب نیز نخستین مرجعی هستند که شکایت بزه دیده در آنجا مطرح می‌شود؛ اما همان اندازه که حضور این نیروها در جامعه ضرورت دارد، امکان عدم حضورشان در صحنه ارتکاب جرم یا پس‌از آن وجود دارد (مهرا و جهانی، ۱۳۹۵: ۵۰-۴۹)، کما اینکه مجرمان نیز می‌کوشند تا دور از چشم پلیس مرتکب بزه شوند تا شاید از چنگال عدالت بگریزند؛ بنابراین، شرط عدم حضور ضابطان دادگستری، برای امکان مداخله افراد عادی در فرایند کیفری کاملاً موجه و

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که نویسندگان را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمود (۱۴۰۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.

- انصاری، ولی‌الله (۱۴۰۳). *حقوق تحقیقات جنایی «مطالعه تطبیقی»*. چاپ پنجم، تهران: سمت.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۲). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد سوم، تهران: گنج دانش.

- خالقی، علی (۱۴۰۳). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ پنجاهم، تهران: انتشارات شهر دانش.

- خانلری المشیری، محمد (۱۳۹۱). *جرائم مشهود و غیر مشهود در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران: فکرسازان.

- رجبی، مرصاد (۱۴۰۲). *ضابطین دادگستری و جرائم مشهود*. چاپ اول، تهران: انتشارات مدبران.

- زراعت، عباس (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- زراعت، عباس و مهاجری، علی (۱۳۹۳). *شرح قانون آیین دادرسی کیفری*. کاشان: فیض.

- شکرپیگی، علیرضا (۱۴۰۲). «امکان‌سنجی توسعه اختیارات ضابطین در جرائم غیرمشهود در نظام حقوق کیفری ایران». *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای*، ۴ (۱): ۹.

- صالحی، محمدخلیل و افراسیابی، علی (۱۳۹۷). «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، ۷ (۲۵): ۴۱.

- عظیمی، کورش و نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۹). «نقش ضابطان دادگستری و سایر شهروندان در مواجهه با جرائم

نیز می‌باشد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده، تقسیم و تفکیک جرم به مشهود و غیرمشهود، دارای آثار متعددی است به‌طوری‌که از آن به‌عنوان جلوه‌ای از افتراقی شدن دادرسی نیز می‌توان یاد کرد. افتراقی شدن دادرسی، پیش‌بینی اختیارات قضایی برای ضابطان دادگستری، پیش‌بینی تکالیف افتراقی برای ضابطان دادگستری و پیش‌بینی امکان مشارکت شهروندان در تعقیب جرائم، از مهم‌ترین آثار حاکم بر تفکیک جرائم یاد شده هستند. در خصوص اینکه چه معیاری برای تفکیک این دو دسته از جرائم از همدیگر و همچنین دسته‌بندی جرائم به مشهود و غیرمشهود وجود دارد، نتایج نشان می‌دهد که در کل با عنایت به مصادیق پیش‌بینی شده در ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مشاهده رفتار مجرمانه، مشاهده آثار جرم، مشاهده بزه‌دید و معرفی مرتکب، قرار داشتن آثار و علائم یا ادله و اسباب جرم در تصرف متهم، قصد فرار یا در حال فرار بودن متهم، اجازه صاحب‌منزل یا متصرف و ولگرد بودن متهم، از مهم‌ترین معیارهایی هستند که در تفکیک جرائم به مشهود و غیر مشهود مورد توجه قرار گرفته است. اما در نظام دادرسی‌های کیفری کانادا، به این صورت و به‌صراحت معیارهای و مصادیق جرم مشهود مشخص نشده اما با توجه به ماده ۴۹۵، می‌توان تمامی این موارد را در صورت برخورداری از دلایل معقول به‌عنوان جرم مشهود در آن کشور دانست که پلیس می‌تواند نسبت به دستگیری مرتکب چنین جرائمی اقدام نماید. در دادرسی‌های این کشور، معیار معقول بودن دلایل برای دستگیری، تشخیص مأمور و عرف است که در صورت منطقی بودن به نظر قاضی، بازداشت مرتکب ادامه و در غیر این صورت آزاد خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: تدوین این مقاله توسط نویسندگان به‌صورت اشتراکی تهیه گردیده است.

مشهود مطالعه تطبیقی با آیین دادرسی کیفری انگلیس و فرانسه». دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱ (۱): ۱۷۷.

- علیزاده، اکبر؛ نظری، سمیه و طالبی، علی‌مراد (۱۴۰۱)، *محشای آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، انتشارات فرقلیم.

- قاسمی، مسعود (۱۳۹۸)، *جرائم مشهود در حقوق ایران و انگلستان*، رساله دکتری، دانشگاه مازندران.

- مهرا، نسرین و جهانی، بهزاد (۱۳۹۵). «دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، ۱۴ (۱۴): ۶۲

- نوروزی، محمد و سیدزاده ثانی، سید مهدی و جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۷). «توقیف مرتکب جرم توسط شهروندان». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲ (۱۰۳): ۵۱.

ب. منابع انگلیسی

- Adrian, T (2018). "Canada: Will Privacy Rules Continue to Favour Open Science". See *Hum Genet*, 137(8): 603.

- Colin, J; Bennett, M; Robin M (2019), "If these Canadians Lived in the United States How would they Protect their Privacy", *Oxford University Press*.

- Feldman, D (2002); "Civil Liberties and Human Rights in England and Wales", Second Edition, *Oxford University Press*.

- Lioyd, L (2005). "an Introduction to Policing and Police Powers", Great Britain, Cavendish Publishing.

- Sanders, A; Richard, Y & Mandy, B (2010). *Criminal Justice*, Fourth Edition, York New, Oxford University Press.